

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	پراکنش موسیقی ایران و ترک و عرب
۴۱	اشتراک مفاهیم موسیقی از دیدگاه شارحان پیشین
۵۵	تشیع تاریخی و موسیقی دستگاهی
۷۱	دستگاه‌شناسی: برداشتی تئوریک - تاریخی
۸۹	جامعه‌شناسی تاریخی و موسیقی ایران
۱۰۹	«مقام» در موسیقی‌شناسی ایران
۱۳۷	مقام: عنوانی نادرست برای موسیقی اقوام ایران
۱۴۷	ماکس وبر و موسیقی ایران
۱۵۹	نمود بت‌وارگی در موسیقی ایران
۱۹۹	موسیقی‌شناسی قومی - تاریخی: برداشتی از تاریخ بیهقی
۲۳۹	اشاره‌های موسیقایی در تاریخ جهانگشای جوینی
۲۵۹	دوازده مقام ایغوری در سفرنامه خواجه غیاث‌الدین
۲۷۳	ابن سینا و موسیقی
۲۹۱	فارابی و دو ترجمه از کتاب موسیقی کبیر
۳۰۶	فهرست منابع
۳۱۲	نمایه

پیشگفتار

این اصلی است عام و کلی که هرچه انسان به دست خود و با ذهن و اندیشه خود می‌آفریند باید بر آن اشراف داشته باشد. آفریده انسان محصول اندیشه انسانی است و در این میان، موسیقی هم ساخته اندیشه آدمیان است. می‌توانیم اولین پرسش خود را درباره موسیقی چنین مطرح سازیم که آیا به راستی انسان‌ها بر اصوات موسیقی، به مثابه پدیده‌ای ساخته انسان، اشراف دارند؟ ما در مورد آداب و رسوم و زبان و کردار و مناسک و نظام خانواده و در یک کلام فرهنگ مردمان پژوهش می‌کنیم و تا اندازه‌ای هم به قوانین درونی آن‌ها پی می‌بریم و آن‌ها را به خود و دیگران معرفی می‌کنیم. به همین ترتیب هم، موسیقی مردمان اینوئیت (اسکیموها)، سرخپوستان، زولوها در آفریقا و ساکنان کوهپایه‌های آند و بربرهای شمال آفریقا را مطالعه می‌کنیم. فراموش نمی‌کنیم که موسیقی این مردمان، از زوایای بسیاری، از کهن‌شناسی تا رابطه زبان و ادبیات و شعر و رقص و افسانه و اساطیر و عزا و شادمانی و درعین حال نیز حالات روحانی، همه در محتوای فرهنگ و تاریخ و جامعه تنیده شده و هر بار که دست به مطالعه‌ای می‌زنیم، از زوایای دیگر به کشف موضوعات جدید اذعان می‌کنیم.

در کنار بررسی موسیقی در درون فرهنگ، باید به پدیده‌های جامعه و تاریخ نیز توجه جدی کرد. سه پدیده سازنده سرگذشت انسان یعنی جامعه و فرهنگ و تاریخ، همه با سرنوشت موسیقی گره خورده‌اند. جامعه جایگاهی است که موسیقی در آن آفریده می‌شود و پرورش می‌یابد و به پاره‌ای از فرهنگ مبدل و سپس به دست تاریخ سپرده می‌شود و تاریخ آن را دگرگون می‌سازد. این سه پدیده رابطه‌ای تودرتو و دیالکتیکی دارند و نمی‌توان تأثیر آن‌ها را بر یکدیگر از هم جدا ساخت، با این حال،

هرکدام به نحوی و با کرداری مشخص موسیقی را در دامن خود پرورش می‌دهند و موسیقی هم به ماهیت و جایگاه هر یک به نحوی می‌نگرد. ارتباط درونی این سه پدیده و تأثیر آن‌ها بر عینیت و ذهنیت موسیقی امری است پیچیده و برداشت موسیقی‌شناس قومی از این سه جریان می‌تواند به شناخت ژرف‌تری از موسیقی بینجامد.

از مبانی عام‌تئوریک تا موضوعات خاص و از کلی‌ترین تا جزئی‌ترین موارد شناخت موسیقی ایران، همه از اهم‌گفتمان اتنوموزیکولوژی است که رواج آن مستلزم کاربرد روش و دانش این رشته در ایران است که می‌باید با خلاقیت موسیقی‌شناسان و اتنوموزیکولوگ‌های ایرانی مسیر خود را بیابد و اسیر دنباله‌روی‌های بی‌جا در جهانی سرگردان نشود. وقتی ما واژه اتنوموزیکولوژی را در زبان فارسی به همین صورت به کار می‌بریم و می‌دانیم که واژه‌ای بیگانه است، تصور می‌کنیم که در اثبات مباحث خود نیز دائماً می‌باید به گفته‌ها و نقل‌قول‌های بیگانگان تکیه کنیم.

استقلال در بیان اندیشه موسیقی‌شناسی قومی خود، به مفهوم بی‌نیازی از جامعه علمی بشری نیست؛ برعکس موجب سربلندی است که ما هم بتوانیم در برابر تلاش‌ها و پژوهش‌های آنان، دستاوردهای علمی خود را به جامعه جهانی تقدیم کنیم. ما باید تفاوت همفکری‌های علمی را با پخته‌خواری‌های یکجانشینی تشخیص دهیم. همان اندازه که آنان در موسیقی‌شناسی علمی به ما یاری می‌رسانند، ما هم باید آنان را یاری دهیم و دانش موسیقی‌شناسانه خود را در سطحی بالا در اختیارشان بگذاریم. آدمیان یک خانواده اندیشمندند و هر مردمانی، در هر گوشه‌ای از این آفاق پهناور، به فراخور توان فکری و آرمان‌های علمی، دانش خود را به جوامع انسانی اهدا می‌کنند. دانش اتنو هم در ایران می‌باید به دنبال یافتن مسیر خود باشد. اما در این اوضاع، هر بار که به سرنوشت اتنو در ایران می‌اندیشم، اندوه سنگینی بر قلب و افکارم چیره می‌شود و نمی‌توانم در برابر کژروی آن بی‌تفاوت بمانم. به گمان من و کسانی دیگر، موسیقی ایران رو به انحطاط نهاده و موسیقی‌شناسی ایران هم که بخشی از آن است، و در این لحظات خطیر و بحرانی می‌باید نقش سازنده خود را ایفا کند، در گمراهی‌ها سرگردان مانده است. اتنوموزیکولوژی ایرانی سال‌هاست خبر از پریشانی می‌دهد. عده‌ای از دست‌اندرکاران دانشکده‌های موسیقی، با کم‌خردی در ساخت واژه‌های من‌درآوردی و بی‌پایه مانند نبود فرم در

بعضی آثار یا تعریف آهنگسازی یا ترجمه بعضی از ترم‌ها، بدعت‌هایی نهاده‌اند و جای شگفتی نیست که در این گيرودار و وانفسا، کورانی عصاکش کوران دیگر شده‌اند. این جماعت، دن‌کیشوت‌وار، در خیال خود تصویری از واژه‌ای یا مفهومی می‌سازند و می‌پندارند در خارج از ذهن آن‌ها هم چنان است و دیگران هم باید همان را تصور کنند. آنان تصور می‌کنند خیالشان با «واقعیت» سازگار است و آن «واقعیت» همان «حقیقت» است، پس به «حقیقت» دست یافته‌اند. بی‌تردید این پریشان‌حالی، به موازات سرنوشت موسیقی ایران، نقش تباه‌کننده خود را برجا نهاده و هر زمان افرون‌تر می‌شود و ما از فروپاشی جایگاه معنوی موسیقی ایران از این جنبه غافل مانده‌ایم.

پرسش این است که در این میان «چه باید کرد؟»

روشن است که پیشگفتار کتاب جای گله‌گزاری و درد دل نیست، اما در سخن از موسیقی‌شناسی، کمتر مردمانی در جهان، بخشی از نیروی معنوی خود را صرف چنین فرسایش‌های جانکاه کرده‌اند که بر فرهنگ ما تحمیل شده است. این‌ها همه نشان‌دهنده اعوجاج شکننده‌ای است که موسیقی ما را به پرتگاه تباهی و نابودی و بی‌هویتی کشانده است. این سخن‌ها همه نشان از خون دلی دارد که از لعل موسیقی ایران فوران می‌کند.

پیش‌تر در پیشگفتار کتاب «مقدمه‌ای بر موسیقی‌شناسی قومی» نوشته بودم که عنوان «موسیقی‌شناسی قومی» نمی‌تواند دربرگیرنده همه انواع موسیقی‌های دستگاهی ایران، راگاهای هندی، نوبات اندلسی و مشابه آن‌ها باشد؛ با این حال، از آنجا که مفهوم «اتنو» را می‌توان به ملت‌ها هم تعمیم داد، کاربرد ضمنی آن برای موسیقی دستگاهی ایران نیز توجیهی می‌یابد. اتنوموزیکولوژی مبحثی است میان‌رشته‌ای، یعنی گفتمان خود را با ترکیب چندین دیدگاه متفاوت مطرح می‌سازد. از این رو، در هریک از گفتارهای این کتاب، با برداشت‌هایی از شاخه‌های دور و نزدیک، به تحلیل و تفسیر و نقد موضوعات پرداخته شده است.

این گفتارها پیش‌تر در پایگاه انسان‌شناسی و فرهنگ قرار گرفته است و تعداد دیگری نیز در مجلدهای دیگر در دسترس خوانندگان قرار خواهد گرفت. در این مجموعه گفتارها کوشش شده تا موضوعات به یکدیگر نزدیک باشند. گفتارهای این کتاب در زمینه‌هایی دنباله مباحث کتاب مکتب‌های کهن موسیقی ایران است

و آن‌ها را سایه‌وار پشتیبانی و تکمیل می‌کند. خستگی و دم‌سردی و بدعهدی ایام این فرصت را از من گرفت تا به بازیابی این گفتارها بپردازم و گرچه می‌توانستم گفتنی‌های دیگری بر آن‌ها بیفزایم، آن‌ها را همان‌گونه که بود در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار می‌دهم.

محسن حجاریان